## شنبه‌ها با شاهنامه فردوسی ۶۷

دکتر یوسف بینا
شاعر و پژوهشگر

چه گفت آن سخن‌گوی مرد دلیر
چو از گردش روز برگشت سیر
که کاجی نزادی مرا مادرم
نگشتی سپهر بلند از برم
به پرگار تنگ و میان دو گوی
چه گویم که جز خامشی نیست روی
نه روز بزرگی نه روز نیاز
نماند همی بر کسی بر دراز
زمانه زمانی نیست چون بنگری
ندارد کسی آلت داوری
اگر چرخ گردان کشد زین تو
سرانجام خشت است بالین تو
به ژرفی نگه کن که بایزدگرد
چه کرد این برافراخته هفت‌گرد

خطبه داستان پادشاهی «یزدگرد شهریار» در شاهنامه دربردارنده سخنانی تلخ و اندوه‌آور درباره سرنوشت انسان است؛ سخنانی که با توجه دادن مخاطب به عاقبت کار یزدگرد ساسانی به پایان می رسد که این پایان خودش آغاز آخرین داستان حماسه ملی ایران است.

فردوسی در این بیت ها می‌گوید: آن مرد سخن‌گوی دلیر وقتی از گردش روزگار و حوادث زمانه افسرده و دل زده شد، این‌گونه گفت که ای کاش از مادر به دنیا نمی آمدم و عمرم سپری نمی شد تا به اینجا برسم که گرفتار تنگنای سرنوشت در میان زمین و آسمان شوم و چاره‌ای به جز سکوت نداشته باشم؛ نه روزگار بزرگی و شکوه پایدار خواهد ماند و نه روزگار نیازمندی و حقارت [که هر دو زودگذرند]. اگر دقت کنی ایام هرگز به‌کام ما نیست و کسی توانایی چون وچرا درباره آن را ندارد، حتی اگر به چنان جایگاه بلندی برسی که بر آسمان ها بتازی نیز سرانجام باید در گور خود سر بر خاک وخشت بگذاری، با دقت به این آسمان برافراخته و هفت طبقه که سرنوشت ما در اوست، نگاه کن تا ببینی که چه بلایی بر سر یزدگرد شهریار آورد!

در این بیت ها «گردش روز» یعنی وضع زمانه، «سیربرگشتن» یعنی دل زدگی و افسردگی، «کاجی» یعنی ای‌کاش، «نگشتی سپهر بلند از برم» یعنی عمرم سپری نمی شد، «پرگار تنگ» یعنی تنگنای سرنوشت، «دو گوی» یعنی زمین و آسمان، «خامشی» یعنی سکوت، «نیست روی» یعنی چاره‌ای نیست، «آلت» یعنی مایه وتوانایی، «چرخ گردان» و «هفت‌گرد» هر دو به معنای آسمان است از آنجا که قدما به هفت آسمان یا هفت فلک باور داشتند و نیز آسمان را دارای هفت سیاره می دانستند.

تلخی و اندوه آوری این سخنان متناسب با آخر شاهنامه است که هرگز خوش نیست و رندان روزگاران به‌کنایه چنین گفته‌اند که «شاهنامه آخرش خوش است!» داستان «یزدگرد شهریار» روایت سقوط ساسانیان و زوال آرمان شهر ایران باستان است؛ سقوط و زوالی که اگرچه ریشه در خود این آرمان شهر دارد و اندیشه اصلی آن را به چالش می‌کشد، نیازمند یک عامل بیرونی یعنی حمله تازیان به ایران است تا به طور کامل محقق شود.

فرهنگ و ادبیات

تازه‌های کتاب

## دفتر دوم «مکاتیب» منتشر شد

آنچه نام قطب محیی را در تاریخ زبان و ادبیات فارسی جاودانه می‌کند، اثر گران قدر او در حوزه نثر فارسی به نام «مکاتیب» است که نامه هایی با مضامین عرفانی، دینی، اخلاقی و سلوکی را شامل می شود. مخاطبان او در این نامه ها، گذشته از عموم مردم، گاهی علما و حاکمان معاصر و در بیشتر موارد یاران و شاگردانش هستند.

علامه محمد قزوینی، از نخستین کسانی است که به ارزش های زبانی «مکاتیب» قطب توجه کرده و کتاب را «در نهایت سلاست و متانت و بغایت استادانه و فاضلانه و بلیغ و وافی به مراد بدون اطناب ممل یا ایجاز مخل و به کلی عاری از تکلف و تصنع» دانسته است. از میان ویژگی های سبکی کلام قطب محیی، گذشته از آمیختگی فراوان با معانی و مضامین قرآنی، باید به تأثیرپذیری اش از شعر فارسی اشاره کنیم. بهره وافر او از شعر فارسی، به ویژه از اشعار مولوی و حافظ، جاذبه کلام و زبان او را در نامه هایش افزون کرده است.

کتاب «مکاتیب» بارها به چاپ رسیده، اما تصحیح آن براساس دست نوشته های کهن برای نخستین بار است که انجام می شود. دفتر نخست «مکاتیب» در سال ۱۳۹۵ و دفتر دوم آن به تازگی منتشر شده و شامل یک مقدمه، متن اصلی کتاب، نمایه های کامل و کتاب نامه است. هریک از این مجلدات صد نامه را در بردارد و ترتیب نامه ها براساس اقدم نسخ «مکاتیب» سامان یافته است.

قطب الدین محمدبن محیی، عارف و زاهد اهل فارس، در هفدهم ذی الحجه ۸۵۵ (بیست ونهم دی ۸۳۰) متولد شد و در بیست وهفتم رمضان ۹۰۶ (پنجم اردیبهشت ۸۸۰) درگذشت. پدرش، محیی الدین محمد کوشکناری، نیز اهل علم بود و در مدرسه دارالایتام شیراز فقه و حدیث درس می داده است. در منابع مختلف او را شیرازی، جهرمی و کوشکُناری نامیده اند و هر سه به اعتباری صحیح است؛ شیراز زادگاهش بود، جهرم شهری بود که ساختار مدنی عبادی «اِخوان آباد» را در نزدیکی آن بنا نهاد و کوشکنار، در هفت فرسخی بندر عسلویه امروزی، زادگاه اجدادی او بود.

«مکاتیب» قطب بن محیی، اثر قطب الدین محمد بن محیی بن محمود است که به‌کوشش دکتر مریم دانشگر، عضو هیئت علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تصحیح شده و انتشارات فرهنگستان آن را در ۶۷۵ صفحه با شمارگان ۵۰۰ نسخه، به بهای ۸۴۰ هزار تومان منتشر کرده است.

چهره روز

## خاقانی اوج سخنوری شعر فارسی

یوسفعلی میرشکاک، شاعر و محقق، در آخرین جلسه از سلسله درس گفتارهای زیبایی شناسی زبان فارسی، اشعار خاقانی شروانی را اوج سخنوری در شعر فارسی عنوان کرد و گفت: جهت شعر و شاعری ما بعد از خاقانی عوض می شود و به سبک عراقی می رسیم و در شعر به سمت استعاره و رموز صوفیانه و عارفانه می رویم. عده ای خاقانی و ابوالعلاگنجوی (پدرزن خاقانی) و اثیرالدین اخسیکتی و مجیربیلقانی را شاخه ترکستانی سبک خراسانی می‌دانند.

آن‌گونه که خبرگزاری مهر نوشته است، میرشکاک در بخش دیگری از این جلسه به قصیده ای که خاقانی در پاسخ به جمال الدین اصفهانی سروده است، اشاره می‌کند و می‌گوید: این قصیده یکی از بهترین قصاید خاقانی است.

خاقانی در این قصیده، خیلی مؤدبانه وارد شده و با هنرمندی ویژه‌ای جمال الدین اصفهانی را وادار به عذرخواهی کرده است. طبیعت خاقانی مبتنی بر سخنوری است. او حتی در مرثیه فرزند خودش وارد عرصه کلام فیگوراتیو می شود.

این شاعر با اشاره به تأثیرات جدی خاقانی از سنایی غزنوی گفت: خاقانی در منظومه «تحفه العراقین» به سنایی در مثنوی «حدیقة الحقیقه» اقتدا کرده است، ولی در قصاید خود جاهایی به مصاف سنایی رفته؛ یعنی از قصاید حکیم سنایی استقبال کرده است.

رئیس گروه رسانه و تبلیغات اداره کل فرهنگ وارشاد اسلامی خراسان رضوی از ضرورت پاسداشت زبان فارسی می‌گوید

# مطالبه مردمی؛ حلقه مفقوده صیانت از زبان فارسی

طرح: رضا چنگی

**طرح اداره کل فرهنگ وارشاد اسلامی برای تغییر اسامی و عناوین غیرفارسی فروشگاه ها و مجتمع های تجاری چگونه کلید خورد؟**

موضوع صیانت از زبان فارسی یک جریان ملی و قانونی است که سال هاست در کشور به عنوان یک مسئله مطرح شده و با دستور رهبر معظم انقلاب همراه بوده است. این جریان با قوانین و دستورالعمل های متعددی کلید خورده و به صورت جدی از اویل دهه ۷۰ شروع شده است. در کشور ما کوتاهی هایی نسبت به این موضوع اتفاق افتاده است و زبان فارسی، با کلمات بیگانه و انواع نام ها و اسامی و عناوین مورد هجمه قرار گرفته است. ما در خراسان که مهد زبان بوده و درخت تناور ادبیات از زمان فردوسی تاکنون در آن وجود داشته است ورگ وریشه طولانی دارد، تکلیف بیشتری نسبت به دیگر استان ها داریم. بنابراین یکی دو طرح داریم که هم در استان و هم در مشهد آن ها را اجرا می کنیم. در چند دهه گذشته غفلت زیادی در این حوزه صورت گرفته است و از طرفی، کار فرهنگی را نمی شود به هر طریقی پیشبرد. در نتیجه رفتیم به سمتی که دوستان را قانع کنیم که زبان فارسی واقعا مظلوم شده است و در گیرودراری به سر می برد که خیلی حال خوبی ندارد واگر به همین منوال پیش برود، آینده خوبی نیز نخواهد داشت. بنابراین، در مقام اقناع برآمدیم و شروع کردیم به کارکردن درباره این موضوع؛ اینکه برویم با این دوستان صحبت کنیم، ضرورت ها را به آن ها بگوییم و اینکه در آینده چه بلاهایی ممکن است سر زبان ما بیاید.

**بُعد اجرایی کار تا کجا پیش رفته است؟**

به مغازه ها و کسبه هایی که نام بیگانه ای را برای فروشگاهشان در نظر گرفته اند، برای تغییر نام اخطار داده ایم. به عنوان نمونه به سراغ ویلاژتوریست رفتیم، شاهنامه فردوسی را به شفاعت بردیم به علاوه متنی از آقای مدیرکل مبنی بر اهمیت جایگاه زبان فارسی. دراین میان، خبرنگارانی که در جریان شکل گیری و پیش برد این طرح بوده اند نیز اعلام کرده اند که پای کار می آیند و این قضیه به نفع مجتمع هاست از لحاظ تبلیغات. با همین هدف به اصناف، مغازه ها و فروشگاه های مختلفی سر زده ایم. در آخرین نامه، حدود ۵۲ مغازه در شهر مشهد شامل این تغییر نام می شوند.

**کار دیگری هم در این حوزه انجام شده است؟**

دیده اید در ورودی شهرها نام شهر را به لاتین می نویسند؟ به همه فرمانداری ها و بخشداری ها ابلاغ کرده ایم که این اتفاق نباید رخ بدهد واگر چنین است، حتما اصلاح و به فارسی برگردانده شود. این اتفاق زیبنده استان خراسان نیست، آن هم با وجود اینکه رسم الخط زیبا و خوبی داریم و می توانیم از زبان و نوشتار فارسی خودمان برای این جریان استفاده کنیم.

**صرف تغییر اسامی انگلیسی و بیگانه با زبان فارسی می تواند اتفاق های خوبی رقم بزند؟**

نیت ما از این طرح آغاز یک گفت و گو است. یعنی دوستانی بیایند و برای زبان فارسی شروع کنند به گفت وگو. بعضی جاها گفت وگو نکردن و مطرح نکردن دیدگاه ها و نظرها باعث شده است مردم از جذابیت های زبان فارسی مطلع نباشند و به سمت کلمات بیگانه و حتی نامأنوس بروند. این آیین، طرح گفت وگومحوری را آغاز کرده است و به نظرم آنجایی که توانسته ایم مکالمه و مذاکره خوبی داشته باشیم و ضروریات و حساسیت ها را بگوییم، قانع‌کننده بوده است.

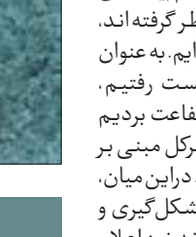

بازخوردها هرزمانی که گفت‌وگوی خوبی شکل گرفته و حساسیت ها و جذابیت های زبان فارسی مطرح شده، مثبت و مؤثر بوده است

**تا اینجای کار بازخورد قابل توجهی گرفته اید؟**

جایی مثل برج آرمیتاژ سال هاست نامش با دخالت ارشاد و دادگستری به آرمیتا تغییر کرده است، اما همه مردم مشهد هنوز این برج را با نام آرمیتاژ می شناسند. چرا؟ چون این ذخیره ذهنی ایجاد شده است و دیگر پاک کردن آن از ذهن مردم سخت شده است؛ اما همین که این جریان تغییر پیدا کند، می شود از آن دفاع کرد. بازخوردها هر زمانی که گفت وگوی خوبی شکل گرفته و حساسیت ها و جذابیت های زبان فارسی مطرح شده، مثبت و مؤثر بوده است.

**آینده این طرح کجاست؟ چه دورنمایی می توان برای آن متصور شد؟ می توانیم بگوییم در سال های آینده اثرات خوبی از این طرح بر در و دیوار شهرمان به جا می ماند؟**

ما انتظار نداریم به عنوان مثال بعد از گذشت شش ماه، دیگر هیچ کلمه غیرفارسی در شهر به چشممان نخورد، اما امیدواریم با شروع این طرح، کشش مردم به سمت زبان و کلمات لاتین به ویژه لاتین نامأنوس، کم و کمتر و متوقف شود و در ادامه و قدم های بعد، شروع کنیم به بازیابی و بازگرداندن اسامی قدیمی فارسی. قطعا اگر این جریان در مقطعی رها شود، در آینده نمی توانیم از آن دفاع کنیم. تا جایی که در توانمان است و دستگاه های متولی همراهی و همکاری کنند، این طرح را جلو می بریم. من خودم به نسل جوانی که قرار است بیاید و سکان دار باشد، مغازه بزند، کار تجاری بکند و محصول تولید کند، خیلی امیدوارم. امیدوارم آن ها این حساسیت را درک کنند و به فکر خودشان و نسل آینده باشند و از زبان فارسی حمایت کنند.

**شناسایی این مکان ها به چه صورت انجام می شود؟**

ما یک فهرست از مکان های هدف داریم که به صورت میدانی، همراه با عکس برداری و مشاهده حضوری و محله به محله شکل گرفته است و می‌گیرد. دراین بین، برنامه هایی را هم برای همکاری با بسیج محلات واماکن داریم.

**قانون دراین باره چه می گوید؟**

یکی از مسائل جدی در این حوزه، این است که در قانون نظام صنفی، اصنافی که به دنبال پروانه کسب هستند، تکلیفی برای نام ندارند و این مسئله بعد از صدور مجوز کسب اتفاق می افتد. یعنی جایگاه و گلوگاهی برای این قاعده وجود ندارد که بتوانیم یک جایی بگوییم اگر نام انتخاب شده فارسی بود، مجوز می دهیم یا در غیر این صورت مجوز نمی دهیم. این مسئله کار را سخت می‌کند. درواقع ما یک نظارت پسامجوزی داریم.

وزارت ارشاد چند سال است سامانه ای را طراحی کرده به نام «سردر اصناف» و از این طریق پیگیر است تا همه فروشگاه ها و مراکز تجاری که به مردم خدمتی ارائه می‌کنند، در این سامانه نام و طرح تابلویشان را ثبت کنند تا بر اساس آن مجوز بگیرند. هرکس این مجوز را دارد، از نظر ما مجاز به حساب می آید و هرکس این مجوز را ندارد، باید برای کسب آن از طریق سامانه اقدام کند.

**یعنی این سامانه خلأ قانونی موجود را جبران می کند؟**

بله، قانون می‌گوید کسی که می خواهد نامی را برای مجتمع تجاری اش انتخاب کند، باید به این سامانه وارد شود و برای اسمی که مطرح کرده است، مجوز بگیرد. هرکس این مجوز را نداشت، ما اجازه پیدا می‌کنیم به او تذکر بدهیم و در ادامه اگر به تذکرها توجه نکرد، می توانیم از طریق اداره کل اماکن عمومی موضوع را پیگیری کنیم.

**اداره کل فرهنگ وارشاد اسلامی ایده یا طرح های دیگری هم در حوزه پاسداشت زبان فارسی دارد؟**

صیانت از زبان و ادبیات فارسی، موضوعی است که درباره آن تاکنون با بزرگانی مانند دکتر محمد جعفر یاحقی و محمدکاظم کاظمی گفت وگو کرده و از آن هامشاوره گرفته ایم. موضوعات مختلفی ازجمله ساخت فیلم های کوتاه آموزشی و انگیزشی، درخواست از رسانه های مختلف برای به چالش‌کشیدن این موضوع و نقدکردن خود اداره‌کل فرهنگ وارشاد اسلامی، همگی موضوعاتی هستند که در خلال این بحث ها مطرح شده است، اما نکته مهمی که به دنبال آن هستیم، بازکردن باب گفت وگو با مردم است، به نحوی که استفاده از زبان فارسی و ارج نهادن به آن، برای همه مردم به یک مطالبه عمومی تبدیل شود. یعنی زمانی برسد که اگر کسی از زبان غیرفارسی و بیگانه برای نام‌گذاری فروشگاهش استفاده کرد، خود مردم تغییر آن را مطالبه کنند. یا حتی به جایی برسیم که دیگرکسی تمایلی برای انتخاب اسامی بیگانه نداشته باشد.

هدف دیگری که دنبال می‌کنیم، این است که جذابیت های زبان فارسی را به شیوه های مختلف به مردم نشان دهیم. به عنوان مثال از طریق شیوه هایی مانند تولید نمایشنامه یا راه انداختن پویش هایی دراین زمینه. ما در این طرح، نام هایی را با رگ وریشه اصیل ایرانی، نام هایی که در شاهنامه وجود دارد و البته برای محصولات تجاری و صنعتی زیبا و درخور است، پیش بینی کرده ایم تا با روش ها و سبک های مختلف در جامعه اجرا کنیم و بتوانیم مردم را بیش از پیش به این موضوع حساس کنیم.

**حرف دیگری مانده است درباره این طرح که بخواهید بیان کنید؟**

مطلوب است رسانه های عمومی که با مردم گفت وگو می‌کنند و مورد اعتماد آن ها هستند، ازجمله روزنامه شهرآرا که مخصوص شهر مشهد است، به صورت پیوسته بخشی از کارشان را در حد ستون یا صفحه به این جریان اختصاص دهند و این موضوع را پیگیری کنند. می دانم که این دغدغه وجود دارد؛ گروه های متخصص زبان و ادبیات فارسی در شهرآرا برنامه های خوبی در این حوزه دارند و همچنین عِرق و غیرت زیادی به شاهنامه و فردوسی دارند. خواهشم این است که اهالی رسانه کنار ما و کنار این طرح باشند تا بتوانیم با سرعت بیشتری این طرح را جلو ببریم.

گفت وگو

مریم محبی

«به اطلاع می رساند متأسفانه نام واحد صنفی شما در زمره واژگان زبان فارسی قرار ندارد. این امر برای ما ایرانیان که در سپهر زبان و ادبیات فارسی ستارگان درخشانی مثل فردوسی، حافظ، سعدی، مولانا، نظامی و... داریم، شایسته نیست. به همین سبب از جناب عالی درخواست می شود در کمترین زمان با تغییر نام واحد صنفی خود به یکی از واژگان زیبای زبان فارسی، دل بستگی و پایبندی تان را به زبان فارسی و هویت ملی نشان دهید.» این، بخشی از متن نامه اداره‌کل فرهنگ وارشاد اسلامی خراسان رضوی است خطاب به برخی مجتمع های تجاری که با عنوانی غیرفارسی شناخته می شوند؛ معضلی که مدت هاست کارشناسان و مسئولان این حوزه درباره آن و آسیبی که می تواند به بقای زبان فارسی وارد کند، هشدار می دهند. اداره‌کل فرهنگ وارشاد اسلامی خراسان رضوی، با هدف پاسداشت زبان فارسی و صیانت از آن، طرحی را آغاز کرده است مبنی بر تغییر اسامی و عناوین نامأنوس و بیگانه با زبان فارسی. هدف پشت ماجرا البته، چیزی است فراتر از صرف اخطار و تذکر و اقدام برای تغییر نام. غرض، شکل‌گرفتن گفت وگویی است درباره اهمیت میراثی که تا این نسل، دست به دست و دهان به دهان چرخیده و حالا وظیفه مراقبت از آن برعهده ماست. اداره‌کل فرهنگ وارشاد اسلامی در ادامه نامه اش این نکته را نیز مطرح کرده است که: «همکاران ما در اداره‌کل فرهنگ وارشاد اسلامی خراسان رضوی آمادگی دارند در انتخاب نامی زیبا و برازنده با شما هم فکری و همکاری کنند. همچنین بر اساس تصمیم شورای پاسداشت زبان فارسی خراسان رضوی درباره رسانه ای کردن و اعلام عمومی نام جدید آن مجموعه تجاری هماهنگی های لازم انجام می شود.» مطلب پیش رو گفت وگویی است با محسن سمیع، رئیس گروه رسانه و تبلیغات اداره‌کل فرهنگ وارشاد اسلامی خراسان رضوی، درباره همین موضوع و همین طرح.